



Iran's Islamic revolution and identity formation in the formation of the Hezbollah movement

Mohammad Sadegh Khadivi Rofogar^{1*} | Sajad.chitforoush²

Abstract

Undoubtedly, one of the major political and social developments of the 20th century was the phenomenon of Islamism or the revival of the political idea based on Islam, and the Islamic Revolution is the product and symbol of this phenomenon. The Islamic revolution is a social, intellectual and political revolution in the Islamic world, the purpose of which is to revive the Islamic identity, values and rules in the society and to fight against colonialism, tyranny, injustice and oppression and disbelief and to criticize the irreligious and unjust world system. One of the countries that is involved in oppression and usurped rights is Lebanon, which houses the largest, most important and effective resistance movement, Hezbollah. Hezbollah is a movement with a Shiite orientation that started its political life after the Islamic Revolution. For this reason, this article has made the impact of the Islamic Revolution on Hizbollah its issue and formulated the question, what intellectual and institutional effects did the Islamic Revolution have on Hizbollah? The hypothesis of the research is as follows: The Shiites of Lebanon, affected by the Islamic Revolution, have given a similar response to political and economic problems, which seems to be due to the common Islamic principles that were revived with the Islamic Revolution. The findings of the research show, "following the religious authority and leadership of Imam Khomeini", "believing social life", "necessity and priority of confronting Israel", "balanced emphasis on the unity of one nation and national unity" and "effort to establish "Social justice" is one.

Keywords: Islamic revolution, resistance movements, Hezbollah, political Islam.

1. master of imam hossein university
2. Assistant Professor of imam hossein university

khadivi91@gmail.com



انقلاب اسلامی ایران و هویت بخشی در مسیر شکل گیری جنبش حزب الله

محمد صادق خدیوی رفوگر^{۱*} | سجادچیت فروش^۲

چکیده

بی تردید یکی از تحولات عمده سیاسی - اجتماعی قرن بیستم، پدیده اسلام گرایی یا تجدید حیات ایده سیاسی مبتنی بر اسلام بوده که انقلاب اسلامی محصول و نماد این پدیده است. انقلاب اسلامی، انقلابی اجتماعی، فکری و سیاسی در جهان اسلام است که هدف آن احیای هویت، ارزش ها و احکام اسلامی در جامعه و مبارزه با استعمار، استبداد، بی عدالتی و ظلم و کفر و نقد نظام غیردینی و ناعادلانه جهانی است. یکی از کشورهایی که درگیر ظلم و حق غصب شده است، لبنان است که بزرگ ترین، مهم ترین و مؤثرترین جنبش مقاومت یعنی حزب الله را در خود جای داده است. حزب الله، جنبشی با گرایش شیعی است که پس از وقوع انقلاب اسلامی حیات سیاسی خود را آغاز نمود. به همین دلیل این نوشتار، تأثیر انقلاب اسلامی بر حزب الله را مسئله خود قرار داده و به صورت بندی این پرسش پرداخته است که انقلاب اسلامی چه تأثیرات فکری و نهادی بر حزب الله داشته است؟ فرضیه پژوهش چنین است: شیعیان لبنان، متأثر از انقلاب اسلامی، به مشکلات سیاسی و اقتصادی خود پاسخ مشابهی داده اند که به نظر می رسد این تشابه ناشی از اصول مشترک اسلامی باشد که با انقلاب اسلامی احیا گردید. یافته های پژوهش نشان می دهد، «پیروی از ولایت فقیه و رهبری امام خمینی»، «زندگی اجتماعی مؤمنانه»، «ضرورت و اولویت مقابله با اسرائیل»، «تأکید متوازن بر وحدت امت واحده و وحدت ملی» و «تلاش برای استقرار عدالت اجتماعی» از جمله تأثیرات انقلاب اسلامی است که افکار و کنش سیاسی حزب الله را در دو عرصه داخلی و خارجی سازمان دهی نموده است. این نوشتار باتکیه بر چارچوب نظری پخش، به دلایل تفوق، سازگاری و مطلوبیت انگاره های سیاسی انقلاب اسلامی در میان شیعیان لبنان پرداخته است. جمع آوری داده ها به صورت کتابخانه ای و اسنادی انجام گرفته است.

کلیدواژه ها: انقلاب اسلامی، جنبش های مقاومت، حزب الله، اسلام سیاسی.

۱. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران.

۲. استادیار، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

بی‌تردید یکی از تحولات عمده سیاسی - اجتماعی قرن بیستم، پدیده‌ی اسلام‌گرایی یا تجدید حیات ایده‌ی سیاسی مبتنی بر اسلام بوده که انقلاب اسلامی محصول و نماد این پدیده است. انقلاب اسلامی، انقلابی اجتماعی، فکری و سیاسی در جهان اسلام است که هدف آن احیای هویت، ارزش‌ها و احکام اسلامی در جامعه و مبارزه با استعمار، استبداد، بی‌عدالتی و ظلم و کفر و نقد نظام غیردینی و ناعادلانه جهانی است. انقلاب اسلامی با تکیه بر مکتب اصیل اسلامی و در تقابل با مکاتب لیبرالیستی، مارکسیستی و سکولاریسمی، داعیه ایجاد نظم و سازمان‌دهی جوامع را دارد. انقلاب اسلامی به همراه قرائت سیاسی‌اش از اسلام، درصدد این است که به وسیله آن نظم سیاسی خود را سازمان‌دهی و علیه نفوذ سیاسی، اقتصادی و بالخصوص فرهنگی غرب مبارزه کند. به بیان دیگر، رستاخیز اسلامی، تحت تأثیر آموزه‌های اسلام سیاسی به علت ماهیت عمیق دینی آنکه برگرفته از متن اسلام ناب است، درصدد است که از هویت واقعی و آسیب‌دیده جوامع اسلامی در مقابل سلطه غرب و ابعاد تمدنی آن محافظت کند. بدین ترتیب، انقلاب اسلامی بر اساس سه شاخص و ملاک تعیین می‌شود که عبارت است از: ۱. اسلامی بودن و با مفاهیم دین مبین اسلام پیوند عمیق داشتن؛ ۲. حرکت اصیل مردمی و توده‌وار بودن و تکیه نداشتن مطلق بر احزاب و گروه‌ها و جریان‌های سیاسی، بلکه اتکا به جوانان مسلمان و قشرهای مختلف ملت؛ و ۳. ماهیت ضد استکباری و در وضعیت کنونی ضد آمریکایی و با توجه به وضعیت منطقه درگیر، جنبه ضد صهیونیستی داشتن (نجفی: ۱۳۹۱، ۱۹).

انقلاب اسلامی از یک سو نخستین انقلاب صورت گرفته بر اساس مکتب اسلام بوده و از سوی دیگر الهام‌بخش بسیاری از جنبش‌های اسلام‌گرای بعد از خود بوده است. به همین دلیل انقلاب اسلامی را می‌توان به‌مانند کلیت و ظرفی در نظر گرفت که جنبش‌های مقاومت در بطن آن شکل گرفته و برمدار آن حرکت می‌کنند. به عبارت بهتر، حرکت بر مبنای اسلام و انقلاب اسلامی، کلیتی است که در درون آن اعتراض به وضع موجود با شناسایی دو عنصر داخلی و خارجی که هر یک دامنه وسیعی را شامل می‌شوند، صورت می‌گیرد. جنبش حزب‌الله از جمله این جنبش‌هاست که اسلام و انقلاب اسلامی را مبنای خود قرار داده است. این نوشتار بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبه‌های فکری و نهادی حزب‌الله را و جهت همت خود ساخته است.

چارچوب نظری

این نوشتار، درصدد بررسی و تبیین تأثیر و پیامدهای انقلاب اسلامی ایران بر جنبش حزب‌الله لبنان است. بررسی بازتاب و تأثیر انقلاب اسلامی باعث می‌گردد محقق با انبوه عظیمی از داده‌های خام روبرو شود. سازمان‌دهی این مواد خام در موضوع باعث می‌شود محقق خود را مجهز به یک ابزار نظری نماید تا بتواند از طریق روند تفکیک داده‌ها، به توضیح و تبیین آن‌ها بپردازد. در این راستا نگارنده، از نظریه پخش به‌عنوان چارچوب تحلیلی بحث استفاده نموده است.

پخش (diffusion) به معنای انتشار، گسترش، پراکندگی و به‌هم‌آمیختگی است. نظریه پخش یا اشاعه، یکی از نظریه‌های رایج درباره توضیح چرایی و چگونگی انتشار نوآوری‌ها و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌ها است. خاستگاه اولیه این نظریه در رشته جغرافیای انسانی بوده است، اما از آنجا که بر پدیده پخش و گسترش متمرکز است، در حوزه فرهنگی نیز قابلیت کاربرد دارد. در مجموع این نظریه، گسترش هر نوع نوآوری فکری یا فیزیکی را تبیین می‌کند. این نظریه، همه آن چیزی که در گسترش یک امر دخالت دارد را در برمی‌گیرد. همچون موضوع پخش، مبدأ آن موضوع، علت اشاعه، نحوه گسترش، مسیر انتقال و مجاری پخش آن موضوع و نیز هر آنچه ممکن است در مسیر انتقال روی دهد: اعم از نوع آوری‌های به‌عمل‌آمده در موضوع توسط دیگران، علت توقف و یا گسترش دوباره آن، پررنگ‌شدن برخی جنبه‌ها و ازبین‌رفتن جنبه‌های دیگر.

«هاگر استراند»، به‌عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین مبدع این نظریه بر شش عامل تکیه می‌کند: ۱. حوزه یا محیط جغرافیایی: این محیط ممکن است شرایط طبیعی یکنواختی داشته باشد یا چهره پر تضادی را تشکیل دهد. ۲. زمان: عاملی است که می‌تواند به‌صورت مداوم یا به حالت دوره‌های متمایز از یکدیگر و متوالی در نظر گرفته شود. ۳. موضوع پخش: می‌تواند موضوعات فرهنگی یا پدیده‌های فیزیکی - فرهنگی و غیره باشد. موضوعات پخش از نظر درجه سازش‌پذیری، ارتباط‌پذیری و میزان سهولت دسترسی با یکدیگر متفاوت هستند. ۴. مبدأ پخش: مکان‌های مختلف جغرافیایی است که خاستگاه پدیده‌ها و نوآوری است. ۵. مقصد پخش: مکان‌هایی است که موضوع پخش با جریان مداوم به این مکان‌ها می‌رسد. ۶. مسیر حرکت پدیده‌ها: تحت شرایطی، موضوع پخش در مسیرهای ویژه‌ای جریان می‌یابد تا به مقصد برسد (شکویی، ۱۳۷۸، ص ۳۰۵-۳۰۶).

«گری پی فرارو» از جریان اشاعه فرهنگی به‌عنوان وام‌گیری فرهنگی نیز در تغییر فرهنگ‌ها یاد می‌کند. وی علت این امر را در اصل کم‌کوشی جستجو می‌کند. بدین معنا که وام‌گیری اختراعات و اکتشافات دیگران بسیار آسان‌تر است از اینکه خودمان بخواهیم از اول آن را کشف کنیم (فرارو، ۱۳۷۹: ۵۲). علاوه بر این اصل که مورد تأکید فرارو است، آنچه بعد از اثبات سودمندی و سازگاری موضوع مورد اشاعه، اهمیت دارد، سنخیت و آشنایی آن با فرهنگ و یا جامعه میزبان است. به‌طور کلی علت قبول یک نوآوری و سرعت پذیرش آن توسط جامعه مقصد بسته به متغیرهایی متفاوت صورت می‌گیرد که عبارت‌اند از: الف: تفوق آن نسبت به آنچه موجود است. ب: سازگاری داشتن با انگاره‌های فرهنگی موجود. پ: به‌سهولت شناخته‌شدن. ت: قابلیت آزمون‌پذیری به‌طور تجربی به‌گونه‌ای که مزایای آن برای تعداد نسبتاً زیادی از مردم به‌روشنی قابل مشاهده باشد (برزگر، ۱۳۸۱: ۴۲-۴۳).

مطابق با مطالب فوق، آنچه برای ما در درجه اول اهمیت قرار دارد، علاوه بر موضوع و نوع تأثیرات، پاسخ به چرایی تأثیرپذیرفتن حزب‌الله از انقلاب اسلامی نیز است. به نظر می‌رسد آنچه سرعت تأثیرپذیری را در مورد حزب‌الله شدت بخشیده، سازگاری داشتن با انگاره فکری - فرهنگی - ای است که انقلاب اسلامی به‌عنوان یک انقلاب شیعی حاوی آن بوده است. امری که به‌واسطه شیعه‌مذهب بودن اعضای حزب‌الله دارای سنخیت با جامعه میزبان بوده است. سازمان‌دهی نوشتار چنین است که ابتدا به مشکلات جامعه شیعی پرداخته می‌شود، سپس به چرایی تأثیرپذیرفتن آن‌ها از انقلاب اسلامی می‌پردازد تا بتواند معمای عبور از ایدئولوژی‌های قوم‌گرایان و سوسیالیستی و انتخاب اسلام‌گرایی به‌عنوان مرام مبارزاتی از سوی شیعیان را رمزگشایی کند و درنهایت مهم‌ترین تأثیرات انقلاب اسلامی بر حزب‌الله را بیان می‌کند.

شیعیان لبنان؛ جامعه مقصد و میراث‌دار مشکلات سیاسی و اقتصادی

شیعیان لبنان که متولیان نیز نامیده می‌شوند، از بدو تشکیل لبنان در این کشور حضور داشته‌اند و به اقتضای تاریخ، به‌خصوص پس از شکست خلافت فاطمیان در ابتدای سلطه عثمانی، به یک اقلیت محروم تبدیل گشتند. پس از اعلام استقلال لبنان در سال ۱۹۴۳، مارونی‌ها و اهل سنت به دلیل در اختیار داشتن جمعیت بیشتر و نیز داشتن پیشینه سیاسی و تشکیلاتی بودن به بازیگران اصلی صحنه

سیاسی تبدیل شدند. این بدین معناست که جمعیت شیعه در حاشیه زندگی سیاسی حضور دارد و از حداقل کنش سیاسی برخوردار است. علاوه بر محرومیت از حقوق سیاسی، ساکنان شیعی لبنان، در طول تاریخ این کشور، همواره محروم‌ترین و مستضعف‌ترین طایفه بوده‌اند. پس از اعلام استقلال لبنان در سال ۱۹۴۶ و حاکمیت نظام طایفه‌ای، وضع شیعیان بسیار وخیم‌تر نیز شده بود. آنان شهروندان درجه سوم، پس از مسیحیان و اهل سنت، به حساب می‌آمدند و همه کارهای کم‌درآمد و پست بر عهده شیعیان بود. مناطق آنان فقیرترین و محروم‌ترین قسمت‌های لبنان و سرنوشت آنان سیاه‌ترین سرنوشت‌ها به شمار می‌رفت و امکانات رشد برای شیعیان به حداقل تقلیل یافته بود. به همین دلیل، عده زیادی از شیعیان لبنان مهاجرت کرده بودند و در کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای آفریقایی به کار می‌پرداختند (چمران، ۱۳۶۲: ۳۳). همچنین بسیاری از روستاییان به دلیل محرومیت اقتصادی و نبود شغل و به امید یافتن کار مناسب و تأمین حداقل مایحتاج و بهتر شدن زندگی به محله‌های فقیرنشین پیرامون بیروت مهاجرت کرده بودند. با افزایش حجم این مهاجرت‌ها در نیمه دوم قرن بیستم بر شمار حاشیه‌نشینان افزوده شد.

مارتین کرامر در کتاب «بنیادگرایی» درباره جایگاه شیعیان لبنان پیش از پیدایش حزب الله می‌نویسد: «در سال ۱۹۴۶ که لبنان استقلال یافت، شیعیان به صورت کنیز زادگان تحقیرشده‌ای درآمدند که در کشوری زیر حاکمیت مسیحیان مارونی و مسلمانان سنی و در خدمت به منافع ویژه آن‌ها روزگار می‌گذراندند» (میرباقری، ۱۳۸۲: ۴۷). پس از استقلال لبنان، منطقه جبل عامل به علت ضعف و عقب ماندگی به «الجنوب» شهرت داشت؛ بیماری، بی‌سوادی و فقر سهم این منطقه بود که عمدتاً شیعیان در آن سکونت داشتند و از لحاظ برق، جاده، مدرسه، بیمارستان، پزشک و حتی تلفن نیز به مراتب عقب افتاده‌تر از سایر نواحی لبنان بود (المرت، ۱۳۶۸: ۲۶۶). واقعیت آن بود که در ساختار اقتصاد سرمایه‌داری که در لبنان ریشه دوانده بود، به شکل طبیعی بر اساس این نوع ساختار ثروتمند ثروتمندتر می‌شود و فقیر فقیرتر و در کنار آن به دلیل ساختار طایفه‌ای لبنان این وضعیت بسیار گسترده‌تر می‌شود و مناطق محروم لبنان که مناطق شیعه‌نشین بودند از این وضعیت آسیب بسیار بیشتری می‌دیدند.

علاوه بر مشکلات اقتصادی - معیشتی، هجوم صهیونیست‌ها به جنوب لبنان نیز به طور غیرمستقیم زیست جمعی شیعیان را تحت تأثیر قرار داده بود. از پیامدهای تجاوز صهیونیست‌ها به لبنان، کوچ

دسته جمعی ساکنان جنوب در پی نابودی مزارع و محصولات کشاورزی و محاصره اقتصادی منطقه از سوی صهیونیست‌ها بود. بدین ترتیب مهاجرت گسترده ساکنان جنوب بر حجم بیچارگی و آوارگی شیعیان افزود و مناطق شیعه‌نشین را به پایگاه وسیعی برای گروه‌های جنگجوی شیعه در آورد و حتی بعضی از پناهندگان و آوارگان شیعه به سکونت در اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی مجبور شدند؛ به گونه‌ای که شمار آوارگان شیعه در برخی از این اردوگاه‌ها بیشتر از آوارگان فلسطینی بود. بر اثر اختلاط شیعیان لبنان با آوارگان فلسطینی، قریب یک چهارم قربانیان کشتارهای صبرا و شتیلا که در سال ۱۹۸۲ توسط مزدوران صهیونیست (فالانتری ست‌ها) صورت گرفت، از شیعیان بودند. علاوه بر این، ماجرای دردناک دیگری که به دست آمده صهیونیست‌ها انجام گرفت، اهانت به دسته‌های عزادار شیعه در روز عاشورا در شهر نبطی‌ها در سال ۱۹۸۳ بود که بر آتش خشم و کینه شیعیان افزود (سوید، ۱۳۷۹: ۲۶).

مسئله مهم دیگری که شیعیان لبنان را به ضرورت تشکل‌سازی و اتخاذ یک مرام مبارزاتی برای حل مسائل و مشکلاتش سوق داد، جنگ داخلی لبنان بود. در سال ۱۹۷۵ نظامیان مسیحی با فلسطینی‌هایی که در لبنان حضور داشتند و مورد حمایت مسلمانان لبنان بودند، درگیر شدند و جنگ‌های داخلی ۱۵ ساله لبنان آغاز شد. در این جنگ‌ها که در یک طرف آن اتحاد مسیحیان راست‌گرای افراطی و در طرف دیگر آن اتحاد مسلمانان و چپ‌گرایان و ملی‌گرایان قرار داشت، ده‌ها هزار کشته و مجروح شدند و این جنگ‌ها تا اوایل دهه ۱۹۹۰ (زمان امضای توافق طائف) ادامه یافت. پیامدهای این جنگ همچون بی‌نظمی‌ها و درهم‌ریختگی‌های اقتصادی و اجتماعی، شیعیان را در بیشتر در تنگنا قرار داد.

مرور وضعیت شیعیان نشان می‌دهد که آن‌ها همواره به دلیل ساخت طایفه‌ای لبنان، ناعادلانه بودن توزیع قدرت و جایگاه نداشتن شیعیان در هرم زندگی سیاسی - اجتماعی به همراه تجاوزات صهیونیست‌ها در وضعیت نامناسبی قرار داشتند. در چنین شرایطی جوانان شیعی به دلیل فقدان حزب شیعی مؤثر و کارآمد به احزاب چپ‌گرای لبنان جذب می‌شدند. در حقیقت مشکلات معیشتی و اقتصادی - رفاهی جوانان شیعی را هوادار احزابی ساخته بود که بامشی و مرام سوسیالیستی و کمونیستی خود، داعیه عدالت و توزیع رفاه داشتند؛ اما آنچه این هواداری را سست و متزلزل می‌ساخت این بود که جنس تفکر این احزاب از نوع اندیشه‌های غربی بود و هرچند به‌عنوان پادزهر

مشکلات اقتصادی عمل می‌نمود، اما از آنجایی که با جهان‌بینی شیعی و مبانی اسلامی - شیعی در تضاد بود، هیچ‌گاه نتوانست پابندی و استمرار این هواداری را مستحکم سازد.

تا اینکه انقلاب اسلامی ایران به وقوع پیوست. وقوع انقلاب اسلامی در همین ایام به همراه اصول، آرمان‌ها و آموزه‌هایش، شیعیان لبنان را به‌مثابه تشنگانی به سمت ایدئولوژی فراقومی - فراملی و فرامادی اسلامی کشاند تا بلکه بتواند پاسخ‌گوی خواسته شیعیان محروم و خسته و زخم‌دیده از جنگ داخلی باشد. با وقوع انقلاب اسلامی و تحقق عینی حاکمیت تشیع در ایران افق تازه‌ای به روی شیعیان لبنان باز شد. شیعیان لبنانی با دیدن موفقیت ایدئولوژی اسلامی و شیعی در مبارزه با استبداد و استعمار به احزاب چپ‌گرای اعتماد و درنهایت از آن روی‌گردان شدند. بدین صورت با احیای هویت سیاسی شیعه که ثمره انقلاب اسلامی بود، روحیه مبارزه با وضعیت موجود در آنان تقویت شد (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۱۲۹-۱۳۲). انقلاب ایران یک نهضت اسلامی خالص و کاملاً سازمان‌یافته بود که به دستاورد عظیم مقابله با ستمگری و بی‌عدالتی رسیده بود. انقلاب اسلامی ایران، اسلام را به‌عنوان یک مشی مبارزاتی جدید برای مبارزه با بی‌عدالتی اقتصادی و انزوای سیاسی به جهان اسلام و شیعیان معرفی کرد. شیعیان لبنان سعی کردند با اتکا به تعالیم آن از درون جامعه ستم‌دیده، تحقیر شده، منزوی و نادیده گرفته شده، بدون اتکا به مرام‌های سوسیالیستی و غربی و در مقابل با اتکا به تشیع به قدرت دست بیابند.

آنچه ایدئولوژی اسلامی - شیعی با قرائت امام خمینی را برای شیعیان لبنانی مقبول‌تر و پذیرا تر می‌ساخت انگاره‌هایی بود که جهان‌بینی شیعه را تشکیل می‌داد و به واسطه انقلاب اسلامی احیا گردیده بود. منطق این اشاره مطابق با چارچوب نظری نوشتار بر این اساس است که تفوق، سازگاری و مطلوبیت اندیشه‌های امام خمینی و راهبردهای پیشنهادی انقلاب اسلامی برای مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی برای گروه‌های شیعی لبنان نمایان گردد. به عبارت بهتر، آنچه باعث گردید جامعه شیعی لبنان، بیشتر از هر جامعه و کشور دیگر از انقلاب اسلامی تأثیر پذیرد، اصول و راهبردهایی بود که ضمن اینکه بیشترین سازگاری را در جامعه شیعی لبنان داشت، به لحاظ عملی نیز بیشترین مطلوبیت و تفوق را نسبت با دیگر مشی‌های مبارزاتی در جبهه مبارزه با گروه‌های مسیحی حاکم در داخل و مبارزه با اسرائیل در خارج دارا بود. تبیین این تفوق و سازگاری در زیر پی گرفته می‌شود.

آموزه‌های انقلاب اسلامی به‌مثابه کالای مورد اشاعه

مطابق با چارچوب نظری نوشتار، وام‌گیری فرهنگی به دلایلی همچون سودمندی، تفوق آن نسبت به آنچه موجود است و درنهایت سازگاری موضوع مورد اشاعه با انگاره‌های فرهنگی جامعه میزبان، صورت می‌گیرد. آنچه به‌زعم ما ایدئولوژی اسلامی - انقلابی تشیع با قرائت امام خمینی را به بهترین گزینه مبارزاتی برای جوانان شیعی تبدیل ساخت و به‌سرعت میان آن‌ها منتشر گردید، انگاره‌هایی بودند که مبانی جهان‌بینی تشیع را تشکیل می‌داد و میان جوامع شیعی صرف‌نظر از قومیت آن‌ها (ایرانی یا عرب بودن) مشترک بود. علاوه بر این **اشتراک درزمینه مذهبی و جهان‌بینی که مبحث سازگاری** میان جامعه مبدأ تأثیرگذار و جامعه مقصد تأثیرپذیر را مطرح می‌سازد، آنچه ضرورت اتخاذ این ایدئولوژی را دوچندان می‌ساخت و آن را به بهترین مشی مبارزه تبدیل می‌ساخت، رویکرد فراقومی - فراملی آن بود که می‌توانست شیعیان لبنان را فراتر از چارچوب مرزهای ملی لبنان با فلسطینیان متحد سازد. درواقع، **اصول فراقومی - فراملی انقلاب اسلامی تبیین‌کننده مباحث مربوط به تفوق و مطلوبیت است که به بخشی از چرایی این تأثیرپذیری پاسخ می‌دهد.** علاوه بر این، توانایی ایدئولوژی انقلاب شیعی ایران، برای ارائه یک زندگی سیاسی و اجتماعی مناسب که در عین برخورداری از رفاه نسبی، بتواند وجوه اسلامی بودن آن زندگی را نیز نسبت به ایدئولوژی‌هایی همچون سوسیالیسم، کمونیسم و ملی‌گرایی تأمین کند، بخشی دیگر از مباحث مربوط به مطلوبیت است که می‌تواند تأثیرپذیری زیاد اعضای حزب‌الله از انقلاب اسلامی را تبیین کند. این انگاره‌ها به شرح زیر می‌باشند:

۱- وحدت بشری

مهم‌ترین وجه فرهنگی که مابه‌الاشتراک اعتقاد پیروان اسلام صرف‌نظر از قومیت آنان است، انگاره وحدت بشری است. عنصر وحدت و تلاش برای سعادت بشری به‌خصوص مظلومین و مستضعفین، مهم‌ترین مؤلفه‌ای به‌حساب می‌آید که با وقوع انقلاب اسلامی احیا گردید. از دیدگاه قرآن کریم، انسان‌ها در آفرینش از یک گوهرند و وحدت دارند؛ یعنی همه از حضرت آدم به وجود آمدند، ولی به دلایلی از جمله: امتحان بشر و ظهور استعدادها و ظرفیت‌های او و نیز ظلم، حسد، نزاع دنیاطلبان، عدم موفقیت در ابتلا و آزمایش الهی، فرقه‌گرایی، تفرقه‌افکنی‌های دشمنان و بدخواهان،

و سوسه‌ها و القائنات شیطانی، مسخره کردن متقابل افراد و گروه‌ها، دادن لقب‌های زشت به یکدیگر و سوءظن به یکدیگر و غیبت، این وحدت فروپاشیده است (اخوان کاظمی، ۱۳۹۲: ۳۰-۳۱). این در حالی است که اندیشه ناسیونالیسم و قوم‌گرایان که به رشته‌ای از ارزش‌های غیردینی و هدف‌های سیاسی مخالف با اسلام اشاره می‌کند (شرابی، ۱۳۶۹: ۵۹)، به پاره‌پاره شدن و تفکیک جهان اسلام در قالب ملت‌هایی جدا از هم کمک کرده است. امام خمینی در رد گفتمان غربی ملی‌گرایی که ناشی از اصل وحدت بشری در جهان‌بینی اسلامی است، می‌فرماید: ناسیونالیسم و ملی‌گرایی «اساس دعوت پیامبران را به هم میزند» (امام خمینی، ج ۱۵: ۴۷۲).

بنابراین، یکی از مسائلی که همواره در دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی مورد تأکید قرار می‌گیرد، بحث همگرایی و وحدت اسلامی است. به‌طور کلی، میان بیداری اسلامی و شکل‌گیری امت اسلامی، تعاملات راهبردی وجود دارد و هریک لازم و ملزوم یکدیگرند. در همین راستا، امام خمینی می‌فرماید: «ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما برنامه اسلام است. وحدت کلمه مسلمین است. اتحاد ممالک اسلامی است» (خمینی، ج ۱۸: ۲۲۱). علاوه بر وحدت اسلامی، وحدت آزادی‌خواهان جهان نیز از جمله دیگر ویژگی‌های انقلاب اسلامی است که مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. اتحاد بشری و نفی فرقه‌گرایی و نژادگرایی در اسلام و در اندیشه امام خمینی در این نوشتار به‌خوبی روشن است که می‌فرماید: «ما با ملت‌ها خوب هستیم» (خمینی، ج ۱۰: ۱۶۵). علاوه بر این در جایی دیگر می‌فرماید: ما صلح می‌خواهیم. ما با همه مردم دنیا صلح می‌خواهیم، باشیم، ما می‌خواهیم مسالمت با همه دنیا داشته باشیم. ما می‌خواهیم در بین مردم دنیا زندگی بکنیم (خمینی، ج ۱۹: ۲۷۴).

۲- استکبارستیزی

اصل دیگر اسلامی که زیربنای تفکر امام خمینی را تشکیل می‌داد، قاعده نفی سیل است که از قواعد مهم اسلام سیاسی است. بر اساس این قاعده، حق سلطه کافران و ظالمان بر مسلمانان نفی شده است. این قاعده برگرفته از این آیه قرآن است که می‌فرماید «خداوند برای کافران راه سلطه و نفوذ بر مسلمانان را قرار نداده است» (نساء/۱۴۱). از منظر اسلام، سلطه دشمنان بر جامعه مسلمانان امری نارواست، به گونه‌ای که اگر مبادلات و مراودات موجب گسترش نفوذ بیگانگان بر جامعه اسلامی

گردد و به نحوی آن‌ها بتوانند در امور مسلمانان دخالت نمایند، چنین مبادلاتی ممنوع است (جمشیدی: ۱۳۸۸، ۴۵۸)؛ اما قرن‌های متمادی کشورهای اسلامی مورد تاخت و تاز بیگانگان قرار داشتند. جنگ‌های صلیبی و تهاجم تیمور و مغول و سپس استعمارگران اروپایی و غربی همانند هلندیان، فرانسویان و در قرون اخیر انگلیسیان، آمریکاییان و صهیونیسم بین‌الملل موجب سلطه بر منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاورمیانه و کشورهای اسلامی، به بردگی کشیده شدن ملت‌های مسلمان و سرانجام مانع رشد، توسعه و استقلال آنان شد.

اسلام‌گرایان معتقدند استعمار جهان اسلام توسط غرب موجب عقب‌ماندگی دنیای اسلام شده است. این استعمار به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم بوده است و زائیده حضور و نفوذ غرب و ایادی آنان است. امام خمینی در خصوص وجوب مبارزه با مستکبرین می‌فرماید: «باید این نهضت - نهضت مستضعف در برابر مستکبر - در تمام عالم گسترده شود. ایران، مبدأ و نقطه اول و الگو برای همه ملت‌های مستضعف باشد. ملت‌های مستضعف ببینند که ایران با دست خالی و با قدرت ایمان و با وحدت کلمه و تمسک به اسلام در مقابل قدرت‌های بزرگ ایستاد» (خمینی، ۱۳۷۸: دفتر پنجم: ۲۳۴). این عبارات نشان‌دهنده این است که انقلاب اسلامی با تکیه بر اصول اسلامی راهبرد و عملکرد مبارزه با استکبار را نهادینه نموده است و به ترویج فرهنگ ظلم‌ستیزی و نفی سلطه‌طلبی در جهان پرداخته است.

۳- معنویت‌گرایی سیاسی

پیوند دین و سیاست یکی از مؤلفه‌های مهم در مثنی مبارزاتی احزاب و گروه‌های اسلام‌گراست. طبق تعالیم و اندیشه‌های اسلامی در سیاست‌گذاری و مدیریت جامعه، اصالت با ارزش‌های معنوی انسان است و تلاش و نیل به توسعه سیاسی و اقتصادی و پیشرفت علم و فناوری باید در راستای مصالح انسانی و ارزش‌های الهی بشر صورت بگیرد. به عبارتی، افق‌نهایی زیست انسانی در مکتب سیاسی اسلامی مفهوم سعادت است (احمدی طباطبایی و نوری‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۸)؛ بنابراین دین و سیاست به جهت رسیدن انسان به سعادت، در پی تحقق عدالت در جامعه است و این هدف مشترک، دین و سیاست را به هم پیوند می‌زند.

به‌طور کلی، مدیریت امور سیاسی در نظام اسلامی، در تدابیر امور جسمانی و روحانی، به دلیل دویبعدی بودن نهاد انسان (روح و جسم)، هماهنگ و در راه تحقق کامل کارویژه‌های مشخص شده عمل می‌کند. از نگاه امام خمینی «سیاست نوعی هدایت انسان در مسیر الهی است و حکومت اسلامی، حکومت قانون است. در این نوع حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون فرمان و حکم خداست. قانون اسلام یا فرمان خدا بر همه افراد و دولت اسلامی حاکمیت دارد» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۴۳۲). در اندیشه سیاسی امام (ره) توحید محوری در زندگی سیاسی به معنای حرکت در مسیر سنت، قوانین و نظام اکمل و عادلانه هستی، باور به هماهنگی ماده و معنا، اخلاق و سیاست، تکوین و تشریح، دنیا و آخرت، حاکمیت الهی و مردمی و حرکت تکاملی و سیر الهی داشتن انسان است (سلحشوری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

احیای این معنویت‌گرایی سیاسی در دوره‌ای بود که بیش از دویست سال از رسوخ سکولاریسم در جهان اسلام، به‌ویژه حوزه مرکزی آن، خاورمیانه می‌گذشت و در عرصه جامعه و سیاست به ایدئولوژی مسلط تبدیل شده بود (مهدوی زادگان: ۱۹۵، ۱۳۸۵). پیامد طبیعی اندیشه و دولت سکولار، به حاشیه رفتن دین و سنت و مرجعیت دینی بود؛ زیرا اندیشه سکولار به معنای غربی یا مدرن آن عبارت از مخالفت با هر گونه مرجعیت دین در عرصه جامعه و سیاست و بی‌ارزش شدن سنت‌ها و پذیرش قوه عقل به‌منزله یگانه مرجع مستقل در تمام تصمیم‌گیری‌های مربوط به حیات دنیوی است (همان، ۱۹۶).

انقلاب اسلامی با احیای هویت اسلامی، معنویت‌گرایی سیاسی را در مقابل دو گفتمان ملی-گرایی و سوسیالیسم قرارداد که در مقابل سکولاریسم و عقلانیت ابزاری بر معنویت سیاسی و عقلانیت ارزشی تأکید داشت. تلاش امام خمینی به‌عنوان معمار انقلابی دینی و بنیان‌گذار نظام سیاسی دینی، متضمن اهدافی چون تعمیم دین برای ایفای نقش برتر، همانند کردن آن با مقتضیات زمان و به‌ویژه بهره‌گیری از دین برای مبارزه با استبداد داخلی و سلطه خارجی بوده است (درخشه، ۱۳۸۶: ۱۴۰).

از آنجایی که جامعه لبنان درگیر منازعات فرقه‌ای - طایفه‌ای بود و هر یک به دنبال منافع خاص گروهی بودند، احیای اصول خفته اسلامی - شیعی می‌توانست روند مبارزات را به گونه‌ای دیگر پیش ببرد. اینکه انقلاب اسلامی این گونه سریع در میان شیعیان لبنان نفوذ پیدا کرد و طرفدار یافت حاکی

از پیوند عمیق ایدئولوژیکی است که میان شیعیان در لبنان و ایران مشترک بود. این تأثیرپذیری علاوه بر اینکه به شدت از این همگرایی فکری - ایدئولوژیکی ناشی می‌شد، نسبت به آنچه از سوی احزاب و گروه‌ها به جامعه لبنانی ارائه می‌شد نیز، مؤثرتر و موفق‌تر بود.

مجاری تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر جامعه شیعی لبنان

بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که انقلاب اسلامی الهام‌بخش و الگوی بسیاری از جنبش‌های سیاسی در جهان اسلام از جمله جنبش حزب‌الله در لبنان بوده است و سبب بیداری و آگاهی‌بخشی این کشورها و جنبش‌ها شده است. همواره عواملی باعث تأثیر و اثر پدیده‌ای بر سایر پدیده‌ها می‌شود. مطابق با چارچوب نظری، اشاعه هر چیزی، ناظر بر گسترش یک موضوع از مکان اولیه و شیوع در مکان ثانویه از طریق مجاری خاص است. در نظریه اشاعه، مسیر حرکت پدیده و موضوع مورد اشاعه، ناظر بر مجاری و بسترهایی است که انتقال نوآوری را به انجام می‌رساند. تحت شرایطی، موضوع پخش در مسیرهای ویژه‌ای جریان می‌یابد تا به مقصد برسد.

در خصوص تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان لبنان باید گفت، زمینه‌ها و ویژگی‌هایی در کشور لبنان وجود داشته که شیعیان این کشور را مستعد تأثیرپذیری از آرمان‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی نموده است. این زمینه‌ها عبارت‌اند از: زمینه‌های مذهبی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی. این نوشتار با تأکید بر زمینه مذهبی مشترک، سرایت را از نوع پخش سرایتی و یا واگیردار می‌داند که بر طبق آن، نزدیکی و اشتراکات مذهبی و فرهنگی میان جامعه مبدأ و مقصد در اشاعه پخش ایده‌ها، اصول و اعتقادات نقش مهمی داشته است. کارکرد مذهب آن است که سرعت اشاعه و پخش رفتارها و اندیشه‌ها را در اجتماع انسانی شتاب می‌بخشد. در واقع، آنچه تأثیر انقلاب اسلامی در کشور لبنان را در مقایسه با دیگر کشورها، دوچندان ساخته است، مذهب و آموزه‌های مشترک مذهبی بوده است که باعث شده محیط لبنان محیطی همگرا با ایران بوده باشد و لذا مذهب عامل اشاعه‌دهنده و شتاب‌دهنده در پخش ایده‌ها، اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی در میان شیعیان لبنان گردیده است؛ بنابراین می‌توان اذعان داشت که تأثیرپذیری حزب‌الله از طریق قدرت نرم انقلاب اسلامی بوده است. بدین معنا که تأثیرگذاری بدون استفاده از تهدید و یا پرداخت هزینه و تنها از طریق منابع و مؤلفه‌های فرهنگی، ایدئولوژیکی و ارزش‌های سیاسی صورت گرفته است. به عبارت

بهرتر، آنچه سازوکار تأثیر و اثر را بین انقلاب اسلامی و حزب‌الله لبنان مشخص می‌نماید، نه ابزار زور و از طریق قدرت سخت که به‌خاطر اهمیت امور اخلاقی، معنوی و انسانی در منظومه فکری انقلاب اسلامی است که به‌واسطه اشتراک در مذهب، شیعیان را آماده تأثیرپذیری نموده است. عقاید ناب شیعه، ولایت فقیه و اندیشه حکومت اسلامی، پیوند دین و سیاست، استکبارستیزی و اندیشه فراملیتی و امت واحد اسلامی از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی هستند. این مؤلفه‌ها از یک سو پایه‌های ایدئولوژیک انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهند و از سوی دیگر با رسوخ در اندیشه جوانان شیعی کنش و آرمان سیاسی آن‌ها را شکل داد.

در خصوص مذهب تشیع در لبنان، جبل عامل یا لبنان جنوبی (جنوب لبنان)، همواره از مهم‌ترین نواحی جذب شیعیان امامیه از سایر بخش‌ها بوده است. جبل عامل در طول تاریخ اسلام، به علت دور بودن از دسترس حکمرانان سنی مذهب مرکزی، همواره نقطه انتشار فرهنگ اهل بیت و مرکز تجمع شیعیان به‌ویژه دانشمندان، نویسندگان، شاعران و مصلحان بزرگ و نام‌آور شیعه بوده است (طاهری، ۱۳۸۸: ۱۶۷-۱۶۸). علاوه بر جبل عامل، بعلبک و هرمل نیز از دیگر نواحی شیعه‌نشین لبنان است.

یکی از مجاری آشنایی شیعیان لبنان با انقلاب اسلامی این است که آبشخور فکری رهبران شیعی لبنان و بعدها رهبران حزب‌الله، عموماً حوزه نجف بوده که تفکر اسلامی - شیعی انقلابیون از جمله امام خمینی از آنجا منتشر گردیده است. جامعه شیعی لبنان به‌واسطه مراکز آموزش مذهبی جبل عامل با مراکز نجف، کربلا و قم مرتبط شدند؛ بنابراین ارتباط شیعیان از طریق علمایی که از جبل عامل در عراق و ایران تحصیل می‌کردند انجام گرفته است (نورتون، ۱۳۶۸: ۲۹۱). علاوه بر این، امام خمینی به‌عنوان مهم‌ترین اسلام‌گرای قرن جدید و رهبر انقلاب اسلامی، بیشترین دوران تبعید را در نجف اشرف داشته است؛ لذا روحانیونی که در نجف به تحصیل و کسب معارف دینی اشتغال داشتند، هر کدام سازوکاری بودند که اندیشه‌ها و آرمان‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی را در میان شیعیان لبنان اشاعه می‌دادند. آیت‌الله صدر، شیخ محمد مهدی شمس‌الدین و سید محمد حسین فضل‌الله در دهه ۱۹۶۰ مشغول تحصیل در نجف بودند و از سوی دیگر مهم‌ترین رهبران سیاسی - مذهبی جنبش شیعه در لبنان بودند که حلقه واسط ارتباط دو انقلاب اسلامی و حزب‌الله را تکمیل می‌کردند.

علاوه بر این روحانیونی همچون ابراهیم حسن، عباس موسوی، سید حسن نصرالله و صبحی طفیلی، از رهبران حزب‌الله، همگی از جمله افرادی بودند که در دهه ۱۹۷۰ در نجف تحصیل می‌-

کردند؛ لذا حوزه نجف مرکز آموزش‌های سیاسی - مذهبی‌ای بوده است که ابتدا توسط امام خمینی در ایران به ثمر نشست و سپس توسط روحانیون هم‌فکر و آموزش‌دیده در این حوزه علمی، جنبش حزب‌الله در لبنان تشکیل گردید. در همین راستا می‌توان گفت، هرچند آگاهی سیاسی شیعیان و انتقاد از شرایط موجود از مدت‌ها قبل آغاز شده بود، لیکن مبارزات و فعالیت‌های اعتراضی آن‌ها در جهت تحقق مطالباتشان پس از ظهور امام موسی صدر، جهت‌گیری متمایز و روشن‌تری نسبت به قبل گرفته بود. جهت‌گیری جدید امام موسی صدر در پیوند تنگاتنگ با آموزه‌های انقلابی امام خمینی قرار داشت. آگاهی‌بخشی آیت‌الله صدر منجر به طرح مباحثی در خصوص اقتصاد اسلامی گردید تا بتواند از این طریق آسیب‌های اقتصاد سرمایه‌داری را کاهش دهد و ساختار طبقاتی جامعه لبنان به‌طور کلی و طایفه شیعه را به‌طور خاص اصلاح کند تا بلکه از محرومیت شیعیان کاسته شود. هرچند این اقدامات در برابر حجم عقب‌ماندگی وضعیت شیعیان ناچیز بود، اما زمینه را برای احیای اصول فراموش شده اسلامی فراهم ساخت. امام موسی صدر با تفسیر دوباره از نمادگرایی شیعی که شباهت زیادی به تفسیر انقلابی امام خمینی از اسلام (در سال‌های تبعیدشان از ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۸) داشت، زمینه تجدید تشیع و جنبش فعالانه اصلاحات اجتماعی و سیاسی شیعی را در لبنان به وجود آورد (امرای، ۱۳۸۳: ۲۳۵).

اظهارات سید حسین موسوی (ابو هشام) گویای نحوه تأثیرپذیری شیعیان لبنان از انقلاب اسلامی است. به بیان وی: «من معتقدم اگر امام موسی صدر مردم لبنان را بیدار و آماده نکرده بود، آن‌ها هیچ‌وقت دعوت امام خمینی را استجابت نمی‌کردند... حرکت امام موسی صدر، برنامه‌ها و اقدامات ایشان مردم لبنان را آماده نمود تا با انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی همگام و همراه شوند. حرکت، افکار و اندیشه‌های آن بزرگوار هنوز هم بر حرکت سیاسی شیعیان لبنان و مقاومت اسلامی که امروز در حزب‌الله تبلور یافته است تأثیر دارد» (کمالیان و رنجبر، ۱۳۷۷: ۴۷).

تجدید حیات تشیع و کنشگری شیعیان در عرصه سیاسی لبنان، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تشدید شد و زمینه‌ساز نهضتی گردید که در تشکیلات موسوم به حزب‌الله خود را نشان داد. پس از تهاجم اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ تشکل‌های متفرق شیعی تحت تأثیر آموزه‌های انقلاب اسلامی درآمدند و متناسب با اصول زیربنایی اسلام سیاسی در سه مورد به اشتراک رسیدند و در

ادغام با یکدیگر حزب الله را ایجاد کردند. تأثیرات فکری و ساختاری جنبش حزب الله در زیر پی گرفته می شود.

تأثیر پذیری در حوزه تفکر

الف) معنویت گرایی: به مثابه کالای مورد اشاعه

مطابق با چارچوب روشی، اشاعه یا پخش، فرایندی است که بر طبق آن یک امر فرهنگی که علامت مشخصه یک جامعه مورد نظر است، در جامعه دیگری مورد پذیرش قرار گرفته و به آن جامعه داخل می شود. از جمله امور فکری ای که از انقلاب اسلامی به عنوان جامعه مبدأ اخذ گردید و فکر و ساختار فکری و اندیشگی جوانان شیعه لبنان را، به مثابه جامعه مقصد، شکل داد عبارت اند از: پیوند دین و سیاست، ولایت فقیه و وحدت اندیشی در قالب وحدت اسلامی است که در زیر به هر یک پرداخته می شود.

۱. پیوند دین و سیاست در تفکر سیاسی

مهم ترین وجه مشخصه حزب الله که پیوندی جدایی ناپذیر با اندیشه های امام خمینی و اسلام-گرایی دارد، در طرز تلقی این جنبش از اسلام و ظرفیت نقش پذیری اسلام در حوزه های اجتماعی و سیاسی است. اندیشه های امام خمینی حاوی تمرکز بر اجتماعات و سیاست با پشتوانه ایمانی و اعتقادی است. امام خمینی اسلام را از بُعد صرفاً معنوی، به سمت ابعاد سیاسی و اجتماعی آن سوق داد. در واقع اسلام را از پرداختن به امور آسمانی و اخروی، به صحنه نقش آفرینی در روی زمین و مسائل دنیوی آورد. بر اساس این نوع تفکر که در مقابل تفکر سکولاریسمی قرار دارد، اسلام، آیین عبادت و سیاست، برنامه دنیا و آخرت، فرد و جامعه، مسجد و دولت، سخت گیری و مهرورزی و جهاد و صلح است (دارابی، ۱۳۸۷: ۳۶-۳۸). با این اقدام اسلام به پهنای زندگی سیاسی و نظم دنیوی گام نهاد. این نوع نگاه، اصل پیوند دین و سیاست خوانده می شود که در مقابل تفکر جدایی دین از سیاست یا سکولاریسم قرار دارد.

حزب الله با عبور از ایدئولوژی های سکولاریسمی و ماتریالیستی و بازگشت به اسلام، به احیای نگاه دینی و توحیدی پرداخته است. در قاموس تفکر دینی، ایمان به خدا مستلزم ایمان به دین و روی گردانی از هر آنچه جز او است، می شود؛ بنابراین اسلام به عنوان یک شیوه کامل، فراگیر و

شایسته برای زندگی معرفی می‌شود که پایه فکری و عقیدتی حزب‌الله را تشکیل می‌دهد و سپس اعمال بر آن مبتنی می‌گردند. در همین راستا حزب‌الله در نامه سرگشاده خود در سال ۱۹۸۵ اعلام می‌دارد که: «ما به اسلام، به عنوان عقیده، نظام، اندیشه و حکومت باور داریم» (فرحی، ۱۳۹۰: ۸۲). حزب‌الله در تشریح رویکردهای خود می‌افزاید: «فرهنگ ما روی منابع قرآن، سنت و سیره معصومان و احکام و فتاوی صادره از سوی فقیه مرجع تقلید ما متکی است و این مسئله بسیار روشن و غیر پیچیده است» (همان، ۸۲). سید حسن نصرالله نیز در مقام دبیرکل حزب‌الله در پاسخ به سؤال مربوط به خط فکری و سیاسی حزب‌الله بیان داشت که: «اسلام برای ما، دین مسجد و مدرسه و خیابان و دولت و نهادهای آن است. دین قادر به برپایی انقلاب و اقامه دولت است... همان‌گونه که در ایران ثابت شد اسلام قادر است در مشکل‌ترین شرایط و بدترین تهدیدها انقلاب برپا کند و اقامه دولت نماید» (فرحی، ۱۳۹۰: ۱۱۲). مطابق با مصاحبه‌ها و متون مکتوب حزب‌الله می‌توان اذعان داشت که حزب‌الله در سطح فکری و اندیشه سیاسی، معنویت‌گرایی سیاسی را اتخاذ و از رویکردهای سکولاریسمی احزاب دیگر روی برمی‌گرداند.

۲. ولایت فقیه

ایدئولوژی حزب‌الله از اسلام سیاسی و انقلاب اسلامی ایران الگو گرفته بود. به همین دلیل به اتحاد جدایی‌ناپذیر میان رهبری مذهبی و سیاسی تأکید داشت. این اتحاد که در رهبری سیاسی و مذهبی حضرت محمد (ص) مجسم بود، اینک در ولی فقیه تجلی می‌یافت؛ بنابراین نظریه سیاسی‌ای که حزب‌الله به آن متعهد بود، اصل رهبری مسلمانان توسط ولی فقیه بود (عمران درگاهی، ۱۳۸۱: ۲۸). این اتحاد جدایی‌ناپذیر میان رهبری مذهبی و سیاسی نمایانگر معنویت‌گرایی سیاسی است که نه تنها خط بطلانی بر محاسبه عقل منفع‌اندیش سکولاریسمی می‌کشد که بر معنویت‌گرایی سیاسی و پیوند دین و سیاست نیز تأکید دارد.

سید حسن نصرالله در خصوص پیروی از رهبری امام خمینی (ره) می‌گوید: «از نظر ما امام خمینی مرجع دینی، امام و رهبر به تمام معنای کلمه است؛ همان‌گونه که هر رهبر بزرگ دینی در هر کیشی در جهان این‌گونه است». به عقیده نصرالله «امام نماد انقلاب علیه طاغوت‌ها، مستکبران و نظام‌های استبدادی» است که زمینه‌ساز زندگی مؤمنانه را فراهم می‌آورد (زمانی به نقل از مجله پاسدار اسلام، ۱۳۸۹: ش ۱۲۷).

به این ترتیب، امام خمینی از جایگاه یک راهنما و رهبر هدایت کننده ناظر بر نظام ملت‌های اسلامی قرار گرفت تا روند پیوند دین و سیاست را به پیش ببرد. وظایف سیاسی عموم مسلمانان در سایر کشورها در دشمنی با استکبار، تأکید بر استقلال کشورهای مسلمانان از سلطه غارتگران مستکبران و تلاش برای وحدت از جمله وظایفی است که حزب الله بر آنها تأکید می‌کند تا مسلمانان بتوانند زندگی سیاسی و اجتماعی خویش را در لوای اسلام به رهبری امام خمینی در آورند. به عبارت بهتر همان گونه که نعیم قاسم نیز بدان اشاره می‌کند، پیروی از ولایت فقیه باعث می‌گردد مشروعیت دینی تمامی افعال سیاسی - اجتماعی در دو بعد داخلی و خارجی تأمین شود (قاسم، ۱۳۸۳: ۶۹).

آنچه پیروی از ولی فقیه را آسان تر و عملی تر می‌کند حضور روحانیون در تشکیلات حزب الله است که علاوه بر اینکه نقش واسطه را میان ولی فقیه و بدنه حزب الله ایفا می‌کنند، حافظ و ضامن ماهیت اسلامی جنبش حزب الله نیز است. امری که باعث می‌گردد تمامی اعمال و مواضع سیاسی - اجتماعی و نظامی حزب الله به لحاظ شرعی و دینی موجه گردد.

۳. تفکر توحیدی و تأکید بر وحدت اسلامی

برتری تقوا و احترام و ارزش نهادن به همه انسان‌ها، فارغ از رنگ و نژاد و طبقه، از دیگر اصول مربوط به معنویت گرایی سیاسی است که منبث از توحید گرایی و ایمان به حاکمیت الهی است. لبنان به عنوان یک کشور خاورمیانه‌ای که میراث‌دار مشکلات سیاسی و اقتصادی زیادی بود، از تنوع و تکثر قومی و مذهبی برخوردار بود. تنوعی که مشکلات شیعیان را با دشواری غیرقابل حل مواجه ساخته بود. تنوع طوایف و مذاهب در لبنان موجب شده است که هر طایفه نگران چگونگی حفظ حقوق و اقتدار خود باشد. نظام طایفه‌ای لبنان بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های اجتماعی و ساخت جمعیتی، در حق شیعیان ظلم و اجحاف روا داشته بود. پس طبیعی بود که شیعیان لبنان به ویژه حزب الله مستعد پذیرش اندیشه‌های مساوات طلبی، عدالت خواهانه و ظلم ستیزان باشند (احمدی، ۱۳۸۵: ۵). علاوه بر این، از آنجایی که احزاب چپ و قوم گرا یا ملی گرای عربی همه بر پایه اندیشه‌های غربی سامان یافته بودند، نمی‌توانست دغدغه جوانان شیعی در خصوص آوارگی مسلمانان فلسطینی را رفع کند. این مسئله موجب گردید شیعیان لبنان از احزاب و گروه‌های سیاسی دیگر امتناع و مشی مبارزاتی اسلامی را اتخاذ نمایند.

بنابراین، شیعیان با تأکید بر خط‌مشی سوم یعنی اسلام‌گرایی منبعث از انقلاب اسلامی، تلاش برای آبادانی و آزادی از سلطه دول استعماری و صهیونیستی برای همه مسلمانان و نه تنها شیعیان لبنانی را آغاز نمودند. به عبارت بهتر از آنجایی که لبنان درگیر منازعات قومی به همراه ایدئولوژی‌های برگرفته از تفکر سکولاریسمی غرب بود، اندیشه وحدت‌گرای انقلاب اسلامی به‌خوبی توانست جامعه شیعی لبنان را جذب نماید. تأثیر اندیشه وحدت‌گرای انقلاب اسلامی بر حزب‌الله چنان است که این حزب خود را بازوی اجرایی مطالبات همه مسلمانان تحت سلطه در منطقه از جمله فلسطین تبدیل کرده است.

نامه سرگشاده حزب‌الله با عنوان «من نحن و ماهی ماهیتنا» که به معنای اعلام موجودیت رسمی این حزب بود نشان می‌دهد که زیربنای عقیدتی شیعه به مؤلفه وحدت که متأثر از انقلاب اسلامی است، در حوزه فکری گروه شیعیان لبنانی تأثیر گذاشته است. در این اعلامیه آمده است: «ما فرزندان امت حزب‌اللهی هستیم». عبارت امت در این اعلامیه نشان‌دهنده عبور از ملی‌گرایی و گرایش‌های فرقه‌ای از سوی حزب‌الله است که داعیه جهانی دارد و امت اسلام را مدنظر دارد. مؤسسان حزب‌الله در ادامه اعلام می‌دارند که «ما فرزندان امت حزب‌الله در لبنان هستیم... ما خود را بخشی از امت جهان اسلام می‌دانیم که در معرض شدیدترین تهاجم استکباری از شرق و غرب باهدف تهی کردن رسالت این امت قرار گرفته است، امتی که خداوند بر آن منت نهاد تا برگزیده مردم باشد، امر به معروف و نهی از منکر کند و به خدای یکتا ایمان آورد... ما فرزندان حزب‌الله هستیم... بر این پایه ما یک سازمان حزبی بسته و یا یک چارچوب تنگ سیاسی در لبنان نیستیم. ما خود را امتی می‌دانیم که با مسلمانان سراسر جهان ارتباط عقیدتی و سیاسی استوار در چارچوب اسلام دارد» (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۱۹۲). اینکه نعیم قاسم^۱ علت دشمنی حزب‌الله با اسرائیل را تنها محدود به اشغال خاک لبنان توسط نیروهای اسرائیلی نمی‌داند در راستای اعتقاد به وحدت جهان اسلام است و این دشمنی را به اشغال سرزمین‌های اسلامی و کشتار و آواره کردن مسلمانان ارجاع می‌دهد.

رویکرد اسلام‌گرایی و حمایت از مسلمانان از آنجایی مشخص می‌شود که حزب‌الله، آمریکا و اسرائیل را به همان اندازه احزاب فالانتری است دشمن می‌داند. در واقع اگر نگاه حزب‌الله ملی بود،

۱ قائم‌مقام دبیر کل حزب‌الله لبنان و از شخصیت‌های اثرگذار در سیاست لبنان است. وی به همراه امام موسی صدر در تشکیل جنبش امل یا حرکه المحرومین و نیز در تأسیس حزب‌الله لبنان مشارکت داشته است.

قاعدتاً رویکرد ضد اسرائیلی و آمریکایی به خود نمی‌گرفت و تنها فالانتری ست‌ها را (مخالفان شیعیان لبنان) متهم می‌دانست؛ اما این حزب در نامه سرگشاده خود اسرائیل، امریکا، فرانسه و فالانترها را دشمن اصلی خود به یک اندازه معرفی می‌کند. در این بیانیه آمریکا قدرتی استعماری معرفی می‌شود که ریشه تمامی منکرات در جهان است و حزب‌الله مدافع مشروع مسلمانان جهان یعنی امت اسلام در برابر این جهان‌خوار است. فرانسه بابت حمایتش از مسیحیان مارونی و شبه‌نظامیان فالانتر مسیحی نکوهش و دشمن قلمداد می‌شود. اسرائیل به‌عنوان مهم‌ترین تهدید عینی برای جامعه اسلام نه تنها دشمن شمرده می‌شود که ریشه‌کن شدن آن را خواسته اصلی خود معرفی می‌کند. درنهایت حزب فالانتر مسیحی قرار دارد که به همراه بازوی نظامی خود یعنی القوات اللبنانیه، مجری طرح‌های آمریکا و اسرائیل معرفی می‌شوند و مسئول تمامی کشتارها و آوارگی‌های مسلمانان و شیعیان در شرق و غرب بیروت هستند (اسداللهی، ۱۳۷۸: ۱۲۰-۱۲۳).

علاوه بر این، آنچه مبارزه با اسرائیل را که رهبر انقلاب اسلامی بر آن تأکید داشت، برای شیعیان لبنان پررنگ‌تر ساخته بود، بی‌تفاوتی احزاب ملی‌گرا و چپ بود که داعیه و تعهدی نسبت به فلسطینیان و مبارزان فلسطینی نداشتند درحالی‌که وحدت مسلمانان از اصول مهم انقلاب اسلامی به شمار می‌رفت. درواقع آنچه در صحنه سیاسی احزاب می‌گذشت و خود را در هیئت نجات ملی نشان داد، خواسته طرد و اخراج مبارزان فلسطینی از لبنان بود. خواسته اعضای این هیئت، مرکب از رهبر جنبش امل، دروزی‌ها و حزب سوسیالیست و فالانتری ست‌ها، این بود که مبارزان فلسطینی لبنان را ترک کنند (علیزاده، ۱۳۶۸: ۱۱۲).

به این ترتیب، مبارزه با رژیم‌های دست‌نشانده غربی به همراه جهانی امن و آباد برای همه مسلمانان چیزی است که حزب‌الله با الگوپذیری از انقلاب اسلامی خواهان آن می‌گردد. علاقه و تأثیرپذیری حزب‌الله به اندیشه‌های ایدئولوژیک و گفتمان اسلام‌گرایی زمانی بهتر درک می‌شود که با جنبش امل مقایسه شود. جنبشی که به دلیل مشی میانه‌رو و محافظه‌کارانه خود، درنهایت از مبارزه علیه اسرائیل دست کشید و جزو کارگروه نجات ملی گردید.

آزادسازی فلسطین در اندیشه حزب‌الله نه تنها جزو وظایف فلسطینیان بلکه از جمله تکالیف همه مسلمین به شمار می‌آید و مسئولیتی همگانی و اسلامی تلقی می‌گردد. این اندیشه که بر مبنای اعتقاد به وحدت مسلمانان است در جنبش حزب‌الله به صورت مبارزه با اسرائیل انعکاس یافته است. حزب‌الله

به دلیل خاستگاه شیعی و آموزه‌های وحدت‌گرای آنکه بر وحدت همه ابنای بشر و همه مسلمانان تأکید داشت هیچ‌گونه تعصب فرقه‌ای در آن مشاهده نمی‌شود و مبتنی بر نص اعتقادات مشترک همه مسلمانان است.

بنابراین، ریشه آموزه‌های دینی باعث گردید حزب‌الله نسبت به ایدئولوژی‌های پیشین و محدودکننده مبارزه در چارچوب مرزهای ملی لبنان بدبین شود و در مقابل تشخیص بدهد که اسلام سیاسی به همراه تأکید بر وحدت مسلمانان برای رهایی از ظلم داخلی و تهاجم خارجی مناسب‌تر و تفوق بیشتری دارد. در واقع همان‌گونه که باورها و آموزه‌های اسلامی مابین همه مسلمانان و بالخصوص شیعیان مشترک بود، زمینه‌های اتحاد فکری و عملی را نیز فراهم ساخت و شیعیان لبنان را فراتر از مرزهای سیاسی ملی در راه مبارزه برای آزادسازی فلسطین و یا حداقل عدم کشتار و آوارگی فلسطینیان متحد سازد. اتحادی که بر مبنای اعتقاد و آموزه‌های اسلام بود و انقلاب اسلامی آن‌ها را احیا نموده بود.

حزب‌الله لبنان در سطح عمل و در راستای تعهد به وحدت‌گرایی، جریانات و مشی‌های مبارزاتی گروه‌هایی همچون ناسیونالیسم عربی، ناصریسم و نیز ناسیونالیسم ایرانی - پهلویسم را که مقوله ملیت را بر دین و مذهب و یا نژاد ترجیح می‌دادند. کنار زده و با چنگ‌زدن به عنصر مذهب و دین، ندای اتحاد را سر می‌دهد. حزب‌الله علاوه بر این، با اعتقاد به وحدت بشری، آزادگان جهان را ندا می‌دهد و بر حمایت از فلسطین و مبارزه با اسرائیل تأکید می‌کند؛ بنابراین ماهیت مبارزه با اسرائیل را از ماهیت صرفاً عربی و ملی به ماهیتی اسلامی و انسانی تبدیل می‌سازد.

در خصوص نسبت تفکر وحدت‌گرای حزب‌الله و انقلاب اسلامی و به عبارت بهتر تأثیرپذیری حزب‌الله از انقلاب اسلامی ایران می‌بایست بر این نکته تأکید کرد که دغدغه رهبری انقلاب اسلامی ایران، بر لزوم وحدت همه قشرها و همه مذهب‌های اسلامی در نیل به پیروزی در صحنه داخلی و خارجی بود. انقلاب اسلامی به تأسی از اسلام ناب محمدی هیچ تفاوتی بین مذاهب مسلمانان قائل نیست و بر جنبه‌های اختلاف‌برانگیز در بین مسلمین پای نمی‌فشارد. همان‌گونه که گفته شد، امام خمینی در برابر خطر نژادپرستی، فرقه‌گرایی و ملی‌گرایی بر این مسئله تأکید داشتند «ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما برنامه اسلام است. وحدت کلمه مسلمین است. اتحاد ممالک اسلامی است» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۸: ۲۲۱).

تأثیرپذیری در حوزه ساختار و نهاد

تشکیلات‌سازی: به‌مثابه کالای مورد اشاعه

انقلاب اسلامی ایران، از یک سو انقلابی علیه استبداد داخلی و نابرابری‌های اقتصادی بود و از سوی دیگر، انقلابی علیه سلطه بیگانگان به‌خصوص آمریکا بود. تجربه طولانی امام خمینی در تاریخ سیاسی کشور و ملاحظه نقض حاکمیت ایران توسط قدرت‌های بزرگ از طریق مختلف، باعث شده بود تا ایشان همواره از یک سو استبداد سیاسی حاکم بر ایران را به چالش بکشاند و از سوی دیگر، راه نفوذ و سلطه بیگانگان به‌نظام و بلاد اسلامی را سد نماید؛ بنابراین سلطه‌ستیزی در جریان انقلاب اسلامی نه تنها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آرمان‌هایی ملت ایران مطرح شد، بلکه پیام استقلال، آزادی و رهایی از بند اسارت سلطه‌گران را نیز به مسلمانان جهان ابلاغ نمود. حزب‌الله لبنان در پی تأثیرپذیری از افکار توحیدی انقلاب اسلامی در حوزه عملی نیز متأثر از ساختارسازی، روحیه مقاومت انقلابیون و نیز تلاش برای نهادسازی در مسیر رفع محرومیت‌های اقتصادی بوده است.

۱. ساختار تشکیلاتی حزب‌الله

همان‌گونه که گفته شد، تشکل حزب‌الله از گرد هم آمدن گروه‌های متفرق اسلام‌گرا، تشکل‌ها و گروه‌های شیعی در سال ۱۹۸۲ در بعلبک ایجاد گردید که عمدتاً متأثر از انقلاب اسلامی ایران بود. در واقع اشتراک نظر همه این گروه‌ها، نبود سازمان و احزاب سیاسی مناسب جهت تحقق اهداف موردنظر و ضرورت ایجاد تشکیلات جدید جهت تحقق بخشیدن به اهداف موردنظر با استفاده از تجربه انقلاب اسلامی بود (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۲۷).

ملموس‌ترین پدیده متأثر از انقلاب اسلامی ایران، سازمان حزب‌الله لبنان است. این سازمان به‌عنوان یک جنبش مخالف سیاسی و اجتماعی، به دنبال شکست لبنان از اسرائیل و تحت‌تأثیر آرمان‌های انقلاب اسلامی در میان شیعیان پدید آمد. پیش از تولد، شخصیت‌ها و گروه‌های آرمان‌گرا ائتلاف‌های مقطعی و پراکنده داشتند که به تدریج به یک سازمان قوی و مرکزیت یافته به‌صورت شبه‌نظامی با ساختاری کارآمد و خدمات اجتماعی تبدیل شد (نوری، ۱۳۸۹: ۳۰۱).

از نظر ساختاری، حزب‌الله به وسیله یک شورای عالی سرپرستی می‌شود. اعضای شورا علاوه بر روحانیون، گروهی از رهبران امنیتی و شبه‌نظامی نیز در بر می‌گیرد. با وجود این عمدتاً این روحانیون هستند که بر تصمیم‌نهایی شورا تأثیر می‌گذارند. شورای عالی بالاترین قدرت در حزب است و امور قانونی، اجرایی، قضایی، سیاسی و نظامی و اداره کل حزب را بر عهده دارد. تصمیمات متخذه به وسیله شورا به اتفاق آرا یا بارأی اکثریت است. در صورت بن‌بست، موضوعات به ولی‌فقیه (امام خمینی) که بلندترین پایه‌ترین فقیه است، ارجاع داده می‌شود (معینی آرانی، ۱۳۷۲: ۲۵). از تصمیمات اجلاس شورای رهبری حزب‌الله، تعیین پست دبیرکلی، جانشین دبیرکل، تشکیل شورای اجزایی حزب، تشکیل دفتر سیاسی، قضایی و شورای جهادی می‌توان برشمرد (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۱۲۴).

کارگروه یا شورای سیاسی متشکل از مسئولان بخش‌های مربوط به جریان‌ات و مسائل سیاسی گوناگون و اعضای کارگروه تحلیل است و وظیفه ارائه تحلیل‌های سیاسی به شورا را بر عهده دارد؛ همچنین برقراری تماس و ارتباط با نیروهای سیاسی و دیگر احزاب را پیگیری می‌کند (قاسم، ۱۳۸۳: ۹۰). کارگروه اجرایی که واحدهای گوناگون اداری حزب را هدایت می‌کند و فعالیت‌های فرهنگی، تبلیغاتی، روابط عمومی و آموزش و اتحادیه‌ها را زیر نظر دارد. این کارگروه از مسئولان مناطق تشکیل شده است و مسئول فعالیت‌ها و اقدامات اجرایی مرتبط با سازمان حزب و مؤسسات و نهادهای مختلفی است که دارای شورای اداری است (قاسم، ۱۳۸۳: ۹۱).

کارگروه برنامه‌ریزی، از دیگر کارگروه‌های حزب‌الله است که از یک رئیس، نایب‌رئیس و مسئول دبیرخانه تشکیل می‌شود و افراد زیر عضو این شورا هستند: مسئول مرکز مطالعات و پژوهش‌های حزب‌الله، مسئول امور سازمان‌دهی و پنج نفر از اعضای آنکه به انتخاب شورای رهبری است. علاوه بر این، کارگروه جهادی نیز از دیگر کارگروه‌های سازمان حزب‌الله است. وظیفه کارگروه جهادی، سیاست‌گذاری برای مقاومت اسلامی است. توسط شخص دبیرکل اداره می‌شود و اشخاص زیر در آن عضویت دارند: رئیس شورای اجرایی، مسئول شاخه نظامی، مسئول بخش امنیتی، نماینده خاص شورای رهبری. این کارگروه دربرگیرنده مسئولان پیگیری عملیات مقاومت علیه اشغال و همه امور مرتبط با آن، از آماده‌سازی، آموزش نظامی، تجهیز و پشتیبانی و مانند آن است (قاسم، ۱۳۸۳: ۹۰).

کارگروه قضایی، با عضویت مسئولان قضایی مناطق مختلف، عهده‌دار پیگیری حل و فصل خصومت، اظهارنظر در تجاوز از حدود شرعی و اعاده حقوق به صاحبان آن‌ها هستند (قاسم، ۱۳۸۳: ۹۱). در نهایت کارگروه پارلمانی قرار دارد که متشکل از نمایندگان سابق و فعلی حزب‌الله در مجلس لبنان می‌باشند. وظیفه آن‌ها ایجاد هماهنگی میان نمایندگان حزب در مجلس در خصوص لوایح و طرح‌های قانونی و همچنین موضع‌گیری در خصوص کلیه مسائل مطروحه در مجلس می‌باشند. ریاست این شورا به عهده جانشین دبیر کل حزب‌الله است (قاسم، ۱۳۸۳: ۹۰).

۲. ضرورت و اولویت مقابله با اسرائیل

شیعیان لبنان از یک سو با اصل قرآنی استکبارستیزی که اکنون به واسطه انقلاب اسلامی پرنرنگ شده بود، مواجه بودند و از سوی دیگر، تهاجمات گسترده ارتش اسرائیل بر لبنان را مشاهده می‌کردند. هدف اعلام‌شده این حملات که به نحوی گسترده در سال ۱۹۸۲ آغاز شد، اخراج رزمندگان فلسطینی بود. لیکن هدف اصلی آن‌ها، روی کار آوردن یک رئیس‌جمهور مسیحی طرف‌دار اسرائیل بود که از طریق آن از قدرت نظامی و سیاسی سوریه در صحنه لبنان بکاهند (خسرو شیری، ۱۳۸۹: ۸۳). آنچه در اینجا لازم است اشاره شود این است که سوریه در این ایام متحد شیعیان و امام موسی صدر بود؛ بنابراین کاستن از قدرت سوریه در لبنان هم‌زمان به معنای تضعیف شیعیان در لبنان نیز بود. علاوه بر این، در این دوره، فرانسوی‌ها در اتحاد با مارونی‌ها، دروزی‌ها با انگلیس، ارتدکس‌ها با روسیه (هالم، ۱۳۸۴: ۲۳۲) متحد بودند و باعث سلطه این کشورها بر لبنان شده بودند. سلطه‌ای شیعیان را بیشتر در تنگنا و محرومیت قرار داده بود.

انقلاب اسلامی به‌عنوان معرف و احیاکننده اسلامی که استکبارستیزی را اصل اساسی خود قرار داده بود، نظر مجامع درگیر سلطه استعمارگرانه را به‌طور کلی و جامعه شیعی لبنان را به‌سوی خود جلب نمود. امام خمینی با استناد به سیره انبیا، ملت اسلام را پیرو مکتبی معرفی می‌کرد که برنامه آن در دو کلمه «نه ستم کنید و نه مورد ستم قرار گیرید» خلاصه شده بود (خمینی، ۱۳۸۱: ۳۹۰). از منظر امام خمینی یکی از مهم‌ترین الزامات اندیشه اسلامی، عدالت‌خواهی آن است و از مهم‌ترین الزامات عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی است. در این زمان مسئله فلسطین و مبارزه با اسرائیل مصداقی از ظلم و تجاوز، به‌ویژه ظلم غیرمسلمان بر مسلمان بود. به همین دلیل می‌توان گفت مبارزه با اسرائیل، درواقع مهم‌ترین دستاورد برآمده از انقلاب اسلامی است که محصول آموزه باور به عدالت و ستیز با ظلم

بود. در همین راستا سید حسن نصرالله اذعان می‌دارد که امام برای ما بیش از این است. ایشان و نماد انقلاب علیه طاغوت‌ها، مستکبران و نظام‌های استبدادی است. به طوری که موفق شده روح امید در جان‌های مستضعفان بدمد. ایشان نظریه اراده ملت‌ها در مقابل اراده مستکبران را احیا نمود. بدین ترتیب، امام برای ما بیش از یک نشانه دینی مطرح است. نه تنها برای ما بلکه برای همه مستضعفان جهان مطرح است. این رابطه روحی و معنوی بین ما و امام حتی قبل از تجاوز نظامی اسرائیل در سال ۱۹۸۲ نیز وجود داشت (اسداللهی، ۱۳۸۳: ۱۷۵).

حزب‌الله با استکبار جهانی نامیدن شرق و غرب، همه کشورهای غربی و روسیه کمونیستی را به عنوان دشمن معرفی نمود. منظور حزب‌الله از دشمنی جهان غرب، دشمنی با اسلام است. حزب‌الله طی یک نامه سرگشاده، آمریکا را قدرت استکباری معرفی می‌کند که در فکر استیلا بر منابع ثروت مسلمانان و مستضعفان جهان است. از نظر حزب‌الله یکی از این کشورهای مستضعف، کشور لبنان بود که آمریکا در صدد تحت‌الحمایه ساختن و یا به مستعمره گرفتن بود (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۱۹۷)؛ بنابراین حزب‌الله دفاع در برابر این کشور مستکبر را نه تنها یک حق مشروع که یک وظیفه و امر الهی تعریف می‌کند. در حقیقت اصل مبارزه با ظلم و استکبارستیزی، حزب‌الله را بر این می‌دارد تا به دفاع از موجودیت مادی جهان اسلام و ملت‌های مستضعف بپردازد.

دشمن دیگر حزب‌الله در حوزه بین‌المللی، دشمنی با فرانسه بود. حزب‌الله همواره فرانسه را به سبب حمایت این کشور از مسیحیان مارونی و شبه‌نظامیان فالانژ مسیحی متهم کرده و به مبارزه و دشمنی با آن اعتراف نموده است. شاید بتوان مفهوم استکبار را در حوزه داخلی و ملی، به طایفه مارونی نسبت داد که به واسطه سیاست‌های ناعادلانه خود، به تضاد طبقاتی دامن زده و شیعیان لبنانی را در پایین‌ترین طبقه نگه داشته‌اند.

در تأثیر این آموزه و باور انقلاب اسلامی همین کافی است که به نام مبارزان منطقه خلدده اشاره شود. با این توضیح که مبارزه با استکبار جهانی با بازوی منطقه‌ای‌اش یعنی اسرائیل، در بازه زمانی پیش از حزب‌الله، تنها توسط جوانانی صورت گرفت که خود را یاران خمینی نامیده بودند (فضل‌الله، ۱۹۹۸: ۵۶). بعدها نیز که گروه‌های شیعی در هم ادغام گردیدند و تشکیلات حزب‌الله را ایجاد نمودند، در راستای عملی کردن اصل استکبارستیزی به حمایت از فلسطینیان پرداختند و مبارزه با اسرائیل را که نماد ظلم بود را تداوم بخشیدند.

درواقع، مهم‌ترین بعد هویتی، فکری و عملی حزب‌الله، تأکید بر ضرورت مبارزه با دشمن (اسرائیل) و مقاومت اسلامی در برابر آن است. حزب‌الله از همان ابتدا تضاد با رژیم صهیونیستی را جزو اولویت‌های اصلی خود اعلام کرده است و تمامی هم‌پیمانی‌ها و تضادهای خود را بر اساس آن تعریف کرده است. این استکبارستیزی حزب‌الله که در حوزه نظامی است، در ادامه و استمرار مبارزه فرهنگی و سیاسی‌ای است که با آمریکا و جهان غرب دارد. در همین راستا سید حسن نصرالله «ضرورت قیام و مبارزه با اسرائیل» را یکی از دو محور اساسی حزب‌الله معرفی می‌کند (کدیور، ۱۳۷۳: ۱۱۸). ابراهیم امین السید نیز بیان می‌دارد: «اساس دشمنی حزب‌الله با اسرائیل تنها موضوع اشغال لبنان نیست، بلکه از خود وجود اسرائیل است» (سعد غریب، ۱۳۸۴: ۲۳۵). اینکه تأکید می‌شود، مبارزه با اسرائیل محدود به اشغال لبنان نیست، حاکی از اصول مبنایی حزب‌الله است که متأثر از انقلاب اسلامی در مبارزه با استکبار دارد.

حزب‌الله طی نامه سرگشاده خود اعلام می‌دارد، «اسرائیل را سرنیزه امریکا در جهان اسلام می‌دانیم. باید با این دشمن غاصب جنگید تا حقوق غصب شده به صاحبان اصلی‌اش بازگردد. این دشمن، خطری بزرگ برای آینده فرزندان ما و سرنوشت امت ما است. به‌ویژه که از اندیشه‌های توسعه‌طلبانه در سرزمین‌های اشغالی پیروی کرده و به دنبال تأسیس اسرائیل بزرگ از فرات تا نیل است. مبارزه ما با این رژیم باید تا نابودی کامل آن ادامه پیدا کند؛ بنابراین امضای هرگونه توافقنامه آتش‌بس، توقف عملیات مسلحانه بر ضد اسرائیل و یا امضای قرارداد صلح یک‌جانبه و چندجانبه با این رژیم را به رسمیت نمی‌شناسیم... در راستای این دیدگاه، تلاش تمامی کشورها و سازمان‌های منحرف را که شتابان به دنبال راه‌حل‌های تسلیم‌طلبانه با دشمن بوده و طرح زمین در برابر صلح را پذیرفته‌اند را به شدت محکوم کرده و آن را خیانت به خون مردم و مسلمان فلسطین و ارمان مقدس فلسطین می‌دانیم» (اسداللهی، ۱۳۷۵: ۲۰۵-۲۰۶).

در تداوم تفکر مبارزه با استکبار و اسرائیل، سید عباس موسوی اظهار می‌داشت که «هدف ما صرفاً آزرین بردن شبه‌نظامیان لحد در منطقه مرزی نیست، بلکه شعار ما فعالیت در جهت از میان بردن اسرائیل است» (السفیر ۳۳: ۲۰۹). علاوه بر این، عملیات شهادت‌طلبانه کسانی چون احمد قصیر در سال ۱۹۸۳ علیه مقرر فرماندهی نظامی اسرائیل در شهر صور بخشی از اقدامات عملی است که با تفکر استکبارستیزی و صهیونیسم‌ستیزی همراه بوده است. ستیزی که از نگاه شیخ قاسم هرگز متوقف

نمی شود «حتی اگر از جنوب لبنان هم عقب نشینی کند باز هم دشمنی حزب الله نسبت به اسرائیل باقی خواهد ماند و هرگز دولت اسرائیل به رسمیت و مشروعیت شناخته نخواهد شد» (اسداللهی، ۱۳۷۵: ۲۳۵). روحیه استکبارستیزی حزب الله بعد از پیمان طائف نیز تداوم یافته است. در جریان پیمان طائف و ادغام همه نیروهای نظامی و شبه نظامی در ارتش، حزب الله با تفاوت قائل شدن میان مقاومت علیه اشغالگری و فعالیت گروه های شبه نظامی، موافقت خود با بخش امنیتی پیمان که خواهان پایان جنگ داخلی بود را اعلام نمود، لیکن مقاومت را حق مشروع مردم در برابر اشغالگران به شمار آورد (المکتب السیاسی لحزب الله، ۱۹۸۹). روحیه مبارزاتی حزب الله پس از پیمان طائف نیز علی رغم روی آوردن به انتخابات و ادغام در سیستم سیاسی لبنان حفظ گردیده است. تحفظ این روحیه از این بیان نعیم قاسم آشکار می گردد که می گوید: «ائتلاف با تمامی احزابی که ارتباطی با اسرائیل ندارند امکان دارد» (السفیر، ۲ اکتبر ۱۹۹۵).

۳. نهادسازی در جهت استقرار عدالت اجتماعی

در تفکر توحیدی و اندیشه سیاسی حزب الله، فرد مسلمان و موحد، بایستی در تداوم ایمانش به یگانگی و حاکمیت خداوند، به مسائل سیاسی و اجتماعی توجه داشته باشد، به امور مسلمین اهتمام بورزد. علاوه بر این، همیاری اجتماعی نیز یکی دیگر از اعمالی است که ترجمان ایمان به پروردگار و نتیجه عملی اعتقاد به پیوند دین و دنیا است. فرد موحد در راستای همیاری اجتماعی به توزیع اموال به دست آمده از زکات می پردازد و میان نیازمندان جامعه و در راه خدا تقسیم می گردد. حزب الله در کنار رویکردهای سیاسی و نظامی، به فعالیت های اجتماعی و خدماتی نیز اهتمام ورزیده است. نظام سرمایه داری سیستم اقتصادی حاکم بر لبنان است. این نظام که بر اساس ماتریالیسم است به دلیل تحریفات فکری و فلسفی خود در خصوص انسان و هستی، نمی تواند توازن مناسبی میان طبیعت انسانی و مصالح عمومی او برقرار سازد و در نتیجه قادر به برقراری عدالت اجتماعی نیست. امام موسی صدر و سپس حزب الله برنامه غرب و سرمایه داری را نظامی برای سرکوبی دنیای مظلومان می دانند و در مقابل به دفاع از موجودیت و کرامت شیعیان و رفع فقر به واسطه خدمات اجتماعی - اسلامی پرداخته اند.

حزب الله تحت تأثیر خدمات اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، ارائه خدمات اجتماعی را وظیفه خود دانسته و مستقل از دولت، به تأسیس و تشکیل نهادهای اجتماعی و خدماتی متنوعی برای

خدمات‌رسانی به مردم لبنان به‌ویژه شیعیان پرداخته است. نهادهای خدماتی و اجتماعی مهم حزب‌الله نظیر جهاد سازندگی، بنیاد شهید، بنیاد جانبازان، کارگروه امداد امام خمینی (جمعیت یاری‌رسان خیریه اسلامی)، مؤسسه آموزشی و تربیتی اسلامی و... هم در عرصه نام‌گذاری و هم در شیوه خدمات‌رسانی تحت‌تأثیر نهادهای جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته‌اند.

تأسیس مؤسساتی همچون بنیاد شهید (۱۹۸۳)، جهاد سازندگی (۱۹۸۴). سازمان بهداشت اسلامی (۱۹۸۵)، کارگروه امداد (۱۹۸۷)، بنیاد جانبازان (۱۹۹۰) و... را از جمله اقدامات عملی بوده است که از یک‌سو به پیروی از نظام حاصل از انقلاب اسلامی شکل گرفته است و از سوی دیگر محملی بوده که موجب استحکام حزب‌الله در سیستم سیاسی لبنان را فراهم آورده است. این مؤسسات علاوه بر شیعیان اقدام به خدمات‌رسانی به غیرشیعیان نیز هستند؛ و حتی در میان کارکنان آن‌ها غیرمسلمان نیز وجود دارد (سرخیل، ۱۳۸۷: ۸۰).

خدمت به تهیدستان و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، درمان نیازهای فوری و ضروری و سودمند بخشی از وظایفی است که حزب‌الله با همکاری طرف‌های دولتی و خصوصی مستقلاً به آن روی آورده است. حزب‌الله پس از تشکیل خود، مؤسسه جهاد سازندگی را ایجاد کرد. جمع‌آوری زباله‌ها در حومه جنوب بیروت، تأمین آب آشامیدنی حاشیه جنوبی بیروت، اهتمام به فعالیت‌های کشاورزی اعم از توزیع نهال و تراکتور، ایجاد مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای و خدمات‌رسانی به روستاها و شهرها از نظر آب‌رسانی، برق‌رسانی و فاضلاب، احداث مراکز بهداشتی و درمانگاه، احداث و ترمیم موسسه‌های آموزشی و اجتماعی، باشگاه‌های فرهنگی، مساجد و حسینیه‌ها و خانه‌های مسکونی برای نیازمندان از جمله خدماتی هستند که در راستای عدالت اجتماعی و توزیع اقتصادی از سوی حزب‌الله انجام شده است (قاسم، ۱۳۸۳: ۱۱۹-۱۲۱).

اقدامات اجتماعی و نهادی حزب‌الله که به تأسی از انقلاب اسلامی و نظام سیاسی برآمده از آن یعنی نظام جمهوری اسلامی صورت گرفته است، علاوه بر اینکه عامل بقای حزب و حضور آن در صحنه سیاسی لبنان بوده است، نشان از خردگرایی حزب‌الله نیز بوده است. این خردگرایی باعث گردیده شائبه تروریست بودن حزب‌الله خنثی شود. سید حسن طی یک مصاحبه در پاسخ به سؤال یک خبرنگار نسبت به کاربرد خشونت و قتل سیاسی اظهار می‌دارد: اگر معنای اصول‌گرایی به معنای افراطی بودن تروریسم و وحشی‌گری و قتل تعریف شود، حزب‌الله به این معنا به‌هیچ‌وجه اصول‌گرا

نیست؛ اما اگر اصول‌گرایی به معنای تمسک به میراث‌های فرهنگی، تاریخی، تمدنی و اصولی خویش و بازگشت به آن‌ها باشد، حزب‌الله از فرق سر تا نوک پا اصول‌گرا است (ضمیمه روزنامه النهار، ۴ اکتبر ۱۹۹۵). این موضع نصرالله، نشان‌دهنده رویکرد نهادی حزب‌الله به سازندگی و وظایف نهادی و نه تخریب‌گری این گروه است.

علاوه بر اقدامات صورت گرفته که به صورت مستقل از سوی حزب‌الله پیگیری شده است، مشارکت آن در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۲ را نیز می‌توان بخشی از وجه سازندگی و نهادی حزب‌الله دانست. جنبش حزب‌الله سعی دارد به‌عنوان یک نهاد انقلابی - سیاسی در عرصه سیاسی لبنان به دفاع از اندیشه‌ها و دیدگاه‌های خود بپردازد. دفاع از خواسته‌های اقتصادی و اجتماعی مردم، نظارت بر دولت و انتقاد از آن‌ها و طرح مشکل و چاره‌اندیشی برای مشکلات از دیگر اقدامات حزب‌الله در قالب فعالیت نهادی است که همگی، بر محور برقراری عدالت اجتماعی به سود ستم‌دیدگان، استقرار آزادی عمومی و گسترش توسعه سیاسی و شفافیت در امور سیاسی می‌چرخد.

علاوه بر این، حزب‌الله در پایان دهه ۹۰ به برقراری ارتباط با دیگر گروه‌های لبنان پرداخت و در جریان مبارزات انتخاباتی سال ۱۹۹۲ با جنبش امل، حزب کمونیست، حزب قومی سوری و حزب بعث وارد ائتلاف شد و نامزدهای انتخاباتی معرفی نمود. حزب‌الله در حقیقت با این اقدام سعی کرد صحنه مبارزاتی خود را در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیز تسری دهد. در واقع این اقدام در این راستا بود که در حوزه‌های غیرنظامی نیز بتوانند امتیازات لازم را برای شیعیان و دیگر طبقات پایین لبنان اخذ نماید. حضور حزب‌الله در مجلس (به‌عنوان یک محفل سیاسی که نمایندگان اقلیت و گروه‌های مختلف جامعه است)، دادن رأی عدم اعتماد به کابینه‌هایی همچون کابینه حریری و حمله به فساد دولتی به هنگام طرح لایحه بودجه، علاوه بر اینکه حزب‌الله را از یک گروه شیعی مبارز به جامعه کثیرالجمله لبنان پیوند می‌زند (النهار، اول فوریه ۱۹۹۶)، آن‌ها را حامی و قهرمان محرومان و مستضعفان جامعه نیز نشان می‌دهد و تعهدات آن‌ها مبنی بر حمایت از این گروه‌ها را نیز به اثبات می‌رساند.

نتیجه گیری

نوشتار حاضر در پی واکاوی تأثیرات فکری و نهادی انقلاب اسلامی بر حزب الله بوده است. انقلاب اسلامی انقلابی برآمده از آموزه‌های سیاسی و اجتماعی دین اسلام بود. آیین اسلام در بستر مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی، در پرتو احیای اصولی همچون استکبارستیزی و عدالت-خواهی توسط امام خمینی به عرصه سیاست بازگشت و ماهیت اجتماعی خویش را بازیافت. نفی سکولاریسم، ضدیت با ظلم، عدالت‌خواهی و استکبارستیزی از جمله ویژگی‌های اسلام سیاسی با قرائت امام خمینی است که به انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در ایران منجر گردید. در این مقطع زمانی، جبهه مبارزه علیه نظم آمریکایی-اسرائیلی و نیز استبداد داخلی در دست گروه‌های سوسیالیستی و کمونیستی بود. امام خمینی با بازگشت به اسلام حقیقی و با عبور از مشی مبارزاتی کمونیستی و سوسیالیستی مبارزه علیه استکبار را رقم زد. چراکه ایدئولوژی سوسیالیسم علیرغم مخالفت با امپریالیسم و سرمایه‌داری، به لحاظ فکری-فلسفی دارای جهان‌بینی لائیک و خدا ناباورانه بود. اسلام سیاسی با خط بطلان کشیدن بر سلطه فکری-فلسفی غربی و با تکیه بر زیربنای فکری-فلسفی اسلامی و خداباوران در صدد رفع سلطه سیاسی-اقتصادی و فکری-فلسفی غرب برآمد. تلاش‌های جنبش اسلام‌گرایی مبنی بر کسب، حفظ و افزایش قدرت سیاسی-اقتصادی پیروانش در انقلاب اسلامی به بار نشست.

شیعیان لبنان با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی و تحریک فکری آن‌ها برمدار آن، اسلام سیاسی را به‌عنوان مشی مبارزاتی پذیرفتند و در صدد پاسخگویی به نارضایتی‌های برآمده از شکل‌گیری و پیشروی اسرائیل در منطقه و نیز رفع ناکارآمدی‌های دولت‌های دست‌نشانده در تأمین مشکلات اقتصادی و اجتماعی شیعیان در لبنان برآمدند. جوانان شیعی که اکنون در تشکلات جدید موسوم به حزب الله یکپارچه شده بودند، با تأثیرپذیری فکری از انقلاب اسلامی توانستند حیات سیاسی خود را بر محور اسلام تنظیم کنند و به حل مشکلاتی که در پیوند با لیبرالیسم و سکولاریسم و سوسیالیسم شکل گرفته بود، پردازد. پیروی فکری و عملی از ولایت فقیه و رهبری امام خمینی، زندگی اجتماعی مؤمنانه، ضرورت و اولویت مقابله با اسرائیل، تأکید متوازن بر وحدت امت واحده و وحدت ملی و تلاش برای استقرار عدالت اجتماعی از جمله مهم‌ترین مشخصه‌های فکری و عملی حزب الله است

که با تأثیر پذیری از انقلاب اسلامی ایجاد گردیده است. این مسئله باعث گردید شیعیان از یک گروه حاشیه ای به یکی از مؤثرترین بازیگران در عرصه سیاسی و اجتماعی لبنان و نیز منطقه خاورمیانه تبدیل شوند؛ بازیگری که علاوه بر حل مشکلات داخلی شیعیان لبنان، نقش حامی ملل مسلمان و شیعه در منطقه تحت سلطه امریکا - اسرائیل نیز دارا می باشند. اسلام به عنوان یک ایدئولوژی و مشی مبارزاتی هم در عرصه خارجی و در بعد نظامی و هم در عرصه داخلی در ابعاد عمرانی و اقتصادی نقش آفرین بوده که توسط حزب الله و متأثر از انقلاب اسلامی در صحنه سیاسی لبنان به نمایش گذاشته شده است.

منابع

- احمدی، بهزاد. (۱۳۸۵). شیعیان لبنان و توسعه نفوذ اجتماعی. نشریه پگاه حوزه، شماره ۱۹۰.
- احمدی طباطبایی، محمدرضا؛ نوری زاده، جواد. (۱۳۹۰). رویکرد ایدئولوژی‌های سیاسی به مقوله انسان‌شناسی. جستارهای سیاسی معاصر. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول، صص ۱۱-۲۲.
- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۹۲). بیداری اسلامی و راهبرد شکل‌گیری امت اسلامی. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی. سال دهم، شماره سی و سوم، صص ۲۷-۴۲.
- الاسپوزیتو، جان. (۱۳۸۸). انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن. (مترجم: محسن مدیرشانه‌چی). تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- اسداللهی، مسعود. (۱۳۷۹). از مقاومت تا پیروزی؛ تاریخچه حزب‌الله لبنان. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه‌سازان نور.
- افراسیابی، محمدصادق. (۱۳۸۵). حزب‌الله لبنان، از المنار تا فتح القدس: بررسی رفتار فرهنگی رسانه‌ای حزب‌الله لبنان در جهان. روزنامه جام‌جم، ۲۲ مهر.
- امرای، حمزه. (۱۳۸۳). انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- المرت، یوسف. (۱۳۷۷). از یک طایفه حاشیه‌ای به یک بازیگر اصلی. تهران: مرکز مطالعات خاورمیانه و آفریقا، المکتب السياسي لحزب‌الله. (۱۹۸۹). وثیقه لطایف، درسه فی المضمون. بیروت: التحليل الدراسات.
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۱). نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی. پژوهش حقوق و سیاست. شماره هشت. صص ۳۹-۷۱ صص ش ۸-.
- بارقیان، سرگه. (۱۳۸۷). صدور انقلاب با کدام رویکرد؟ شهروند امروز، سال سوم، شماره ۴۷. یکشنبه ۲۹ اردیبهشت.
- جمشیدی، محمدحسین. (۱۳۸۸). اندیشه سیاسی امام خمینی. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- چمران، مصطفی. (۱۳۶۲). لبنان، تهران: بنیاد شهید چمران.
- خسرو شیری، علی. (۱۳۸۹). انقلاب اسلامی و شیعیان لبنان. انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۵). صحیفه نور: مجموعه آثار امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، موسسه چاپ و نشر عروج.
- درخشه، جلال. (۱۳۸۶). گفتمان سیاسی شیعه در ایران معاصر. تهران: دانشگاه امام صادق.
- سعد غریب، امل. (۱۳۸۴). دین و سیاست در حزب‌الله. (مترجم: غلامرضا تهامی). تهران: مطالعات و تحقیقات اندیشه‌سازان نور.

- سلحشوری، احمد؛ ید الهی، محمدجواد و خنکدارطرسی، معصومه. (۱۳۹۱). مبانی و مؤلفه‌های تربیت اسلامی از دیدگاه امام خمینی. فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره پنجم، ص ۱۲۶-۱۱۱. سوئید، محمود. (۱۳۷۹). جنوب لبنان در رویارویی با صهیونیست‌ها؛ پنجاه سال پایداری و مقاومت. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی‌های بیروت.
- شکویی، حسین. (۱۳۷۸). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (ج ۱). تهران: گیتاشناسی.
- طاهری، مهدی. (۱۳۸۹). تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان لبنان با تأکید بر جنبش حزب‌الله. نشریه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۳.
- علیزاده، همایون. (۱۳۶۸). فرهنگ سیاسی لبنان. (مترجم: حمیدرضا گل‌سرخ و محمدرضا معماری). تهران: نشر سفیر.
- فضل‌الله، حسن. (۱۹۹۸). حرب الارادات، بیروت: دار الهادی.
- کدیور، جمیله. (۱۳۷۹). رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا. تهران: اطلاعات.
- کمالیان، محسن؛ رنجبر، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). عزت شیعه: گزارشی از مبارزات و مجاهدات آیت‌الله امام موسی صدر در احیای حرکت اسلامی لبنان، قم: تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- گری پی، فرارو. (۱۳۷۹). انسان‌شناسی فرهنگی: بعد فرهنگی تجارت جهانی. (مترجم: غلامعلی شاملو). تهران: سمت.
- مهدوی زادگان، داود. (۱۳۸۵). بحران سکولاریسم در جهان اسلام، فصلنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره سی‌ودو. صص ۲۲۰-۱۹۵.
- میریاقری، یزدان. (۱۳۸۲). حماسه مقاومت اسلامی در جنوب لبنان. تهران: اندیشه‌سازان نور.
- نجفی، موسی. (۱۳۹۱). نظریه بیداری اسلامی بر اساس اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره بیست و هشتم، ص ۲۶-۱۱.
- نعیم، قاسم. (۱۳۸۳). حزب‌الله لبنان؛ خط‌مشی گذشته و آینده آن. (مترجم: محمدمهدی شریعتمداری). تهران: اطلاعات.
- هالم، هاینس. (۱۳۸۴). تشیع، (مترجم: محمدتقی اکبری). قم: مش رادیان.

